

رازگشایی از جنایت ۲۰ ساله

افشای راز مرد میانسال که ۲۰ سال قبل همسر و فرزندش را به قتل رسانده بود
خاطره یکی از کارآگاهان پلیس آگاهی است



جانی ندارند. زمانی که این مدارک و شواهد را کنار هم قرار دادیم، باتوجه به این که ۲۰ سال از ناپدید شدن زن جوان و فرزندش گذشته بود و از طرفی هیچ هویتی از آنها در ثبت احوال در دست نبود، احتمال قتل آنها مطرح شد.

از طرفی با کنار هم قرار دادن سرخ‌هایی که به دست آورده بودیم، فرضیه قتل‌ها توسط بهزاد مطرح شد. برای روشن شدن این موضوع و رازگشایی از سرنوشت لیلا و فرزندش، تحقیقات از بهزاد را پس از ۲۰ سال آغاز کردیم.

⚡ اظهارات عجیب

بهزاد در تحقیقات مدعی بود چون به لیلا شک داشته و باهم اختلاف داشتند، هرگز سراغ همسر دومش نرفته و پیگیر او و فرزندش نبوده‌است. زمانی که از بهزاد در مورد معافیت پسر بزرگش و ادعای او درخصوص مرگ نوزادش در ۲۰ سال قبل سوال کردند، مرد میانسال که بسیار شوکه شده بود، گفت: پسر، ایمان تک‌فرزند بود و اگر این موضوع ثابت می‌شد، می‌توانستم معافیت او را بگیرم اما مشکلم این بود که از همسر دومم پسری داشتم. وجود آن پسر که هیچ اطلاعی از او نداشتم، باعث شده بود پسر نتواند معافیت بگیرد به همین دلیل چنین اظهاراتی را مطرح کردم.

⚡ اعتراف به قتل‌ها

بهزاد که انکار را بی نتیجه می‌دید و با مدارک پلیسی مواجه شده بود، در نهایت راز جنایت ۲۰ ساله را برملا کرد. او گفت: به لیلا شک کرده بودم و همسایه‌ها نیز از این شک سوءاستفاده می‌کردند و ما را که غریب دیده بودند، مدام پشت سرمان حرف می‌زدند. حرف‌ها و شک خودم باعث شده بود دائم با لیلا درگیر شوم و باهم جروبحث کنیم. روز حادثه سر همین موارد باهم دعوایمان شد و از روی عصبانیت چند مشت به سروصورت او زدم. لیلا بی حال روی زمین افتاد و سراغش که رفتم، دیدم نفس نمی‌کشد اما آن لحظه به قدری خشم داشتم که بازهم سر او را چند بار به دیوار کوبیدم تا از مرگش مطمئن شوم.

متهم میانسال ادامه داد: وقتی لیلا را کتک می‌زدم دومرتبه او روی پسر که شش ماه پیشتر نداشتم، افتاد. بچه بی‌تابی می‌کرد و من هم عصبانی بودم. به همین دلیل به شکم او ضربه‌ای زدم. کتک‌های من مرگ همسر و پسر را رقم زد و اجسادشان را داخل کیسه زباله گذاشتم و داخل سطل زباله انداختم.

گرچه متهم به قتل، انگیزه‌اش را برای دو قتل این‌طور بیان کرد اما دختر و پسر مقتول مدعی بودند مادرشان طلا و جواهر زیادی داشته و احتمال می‌دادند بهزاد با انگیزه سرقت طلاها او را به قتل رسانده‌است.

با اعتراف بهزاد، راز دو قتل که ۲۰ سال قبل رخ داده بود، با پیگیری‌های پلیسی برملا شد و رسیدگی به پرونده در دستور کار قضات قرار گرفت.

و از سرنوشت مادر بعد از این بی‌خبر بوده‌است. اظهارات بهزاد منجر می‌شود که تحقیقات در آن زمان ادامه پیدا نکند و ما همچنان از سرنوشت مادرمان بی‌خبر هستیم. با گذشت سال‌ها و پیگیری‌های مداوم، تصمیم گرفتیم از پلیس برای پیدا کردن مادر و برادرمان که الان باید ۲۰ سال داشته باشد، کمک بگیریم.

⚡ تناقض گویی‌های ۲۰ ساله

با شکایت خواهر و برادر، پرونده ناپدید شدن زن جوان و نوزادش بار دیگر روی میز کارآگاهان قرار گرفت. در بازخوانی پرونده تناقض گویی‌هایی بدست آمد که نشان می‌داد بهزاد واقعیت را بیان نکرده‌است.

در حالی که مدارکی بدست آمد که به نظر می‌رسید بهزاد در ماجرای ناپدید شدن لیلا و نوزادش نقش دارد، به استعلام سوابق بهزاد پرداختیم. در این میان سرنخی را به دست آوردیم که نقش مرد میانسال در این ماجرا را قوت بخشد.

با آن که بهزاد ۲۰ سال قبل مدعی شده بود از سرنوشت آنها بی‌خبر است اما سال ۹۴ بهزاد به ثبت احوال مشهد مراجعه کرده و مدعی شده بود نوزادش شش ماهه اش ۲۰ سال قبل به صورت ناگهانی فوت کرده‌است. حتی برای اثبات این ادعایش دو شاهد نیز به ثبت احوال به معرفی کرده بود تا ادعایش را ثابت کند. او برای گرفتن معافی پسرش از همسر اولش چنین ادعایی را به ثبت احوال ارائه کرده تا بتواند معافی او را بگیرد.

⚡ سرنخی برای پرونده قدیمی

همین درخواست و ادعای او برای مرگ نوزاد شش ماهه، مهم‌ترین سرنخی بود که در اختیارمان قرار گرفت، چرا که بهزاد سال‌ها قبل اعلام کرده بود همسرش با فرزندش او را ترک کرده و بعد از سال‌ها ادعای مرگ ناگهانی نوزاد را مطرح کرده بود.

در ادامه بررسی‌ها، سرنخ‌های دیگری نیز پیدا کردیم. لیلا سال ۷۵ از همسرش به دلیل ضرب و جرح شکایت کرده و مدعی شده بود او و بچه‌اش امنیت

بهزاد مدعی می‌شود مادر رفتارها و کارهای عجیبی انجام می‌داد که باعث ریختن آبروی آنها بین همسایه‌ها شده بود و در نهایت هم لیلا تصمیم می‌گیرد به مشهد برگردد و شوهر دومش را ترک کند. بهزاد هم که از دست مادرش شاک می‌کرد به گفته خودش دل خوشی از او نداشت، اجازه می‌دهد او آنجا را ترک کند. بعد از آن مادر همراهِ برادرش شش ماهه‌ام سوار بر اتوبوس می‌شود و به مشهد می‌آیند. بهزاد هم چون در گاوداری مشغول به کار شده بود، همان‌جا می‌ماند

روزی که دختر و پسر جوان به اداره آگاهی مشهد آمدند تا پیگیر سرنوشت مادرشان شوند، هرگز تصور نمی‌کردند با گذشت ۲۰ سال از ماجرا راز این جنایت برملا شود. یکی از آنها در تحقیقات گفت: سال ۷۴ زمانی که مادر از پدرم جدا شد، با مردی به نام بهزاد ازدواج کرد. آن زمان او ۲۹ سال داشت و پدرم حضانت ما را به عهده گرفته بود و برای همین ما مادرم را خیلی نمی‌دیدیم و از او خبری نداشتم.

او ادامه داد: آن‌طور که از فامیل شنیدیم، مادرم همسر دوم بهزاد می‌شود و همسر اول او خیلی زود از ماجرای ازدواج دوم و هوو با خبر می‌شود. همین مساله باعث می‌شود که سر ناسازگاری برآورد. بهزاد که از این ماجرا به تنگ آمده بود، مادرم را که صاحب فرزند پسری شده بود با خود برمی‌دارد و به یکی از شهرهای اطراف سبزوار می‌برد اما بعد از آن از مادرم خبری نمی‌شود.

⚡ شکایت قدیمی

پسر در ادامه گفت: مادرم بزرگم با ناپدید شدن مادرم لیلا سراغ شوهرش می‌رود و حتی از او شکایت هم می‌کند اما

آراستگی پوشش کارمندان خود را به ما بسپارید

پوشاک فرم

اولین ارائه دهنده تخصصی پوشاک ادارات

آدرس فروشگاه: تقاطع خیابان ولیعصر و طالقانی، مجتمع تجاری نور تهران، طبقه سوم تجاری، شماره ۹۰۶۷

تلفن: ۰۲۱-۸۸۲۲۶۰۳۵ همراه: ۰۹۱۲۷۰۱۵۱۲۲

www.form1.ir

formiran@yahoo.com

@form1

manto_uniform